

نامه حزب حکمتیست (خط رسمی) به احزاب و شخصیت های سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی؛ صفحه ۴

در دفاع از هویت انسانی

مصاحبه با خالد حاج محمدی در مورد قرار "علیه ملی گرایی و تفرقه قومی - مذهبی"

زمانیکه بشردوستی به گروگان گرفته میشود

آذر مدرسی



بالاخره پس از شش ماه جنگ و بمباران و توپ باران، حلب به تصرف ارتش اسد درآمد. اسد، روسیه و ایران که پیروزمندان این جنگ اند از آن بعنوان "آزادی حلب" و بازگشت ثبات و امنیت به حلب حرف میزنند و دول غربی و متحدین منطقه ای اش مانند عربستان از "سقوط حلب" و شکست شورشیان و مردم میگویند. تبلیغات هر دو جبهه در مدح آزادی و یا فغان از فجایع و آوارگی مردم بیگناه حلب مضمّن کننده است.. میدیای قطب پیروز تصاویر مردمی "آزاد شده" را که با خوشحالی از ورود ارتش سوریه و نیروهای پرو ایران و ... استقبال میکنند، را به نمایش میگذارند. تصاویر کشتار مردم بیگناه توسط بمبهای جبهه النصر را بعنوان سند جنایت غرب در سوریه نشان میدهند و عربده پیروزی میکشند. و میدیای غرب تصاویر دلخراش مردم بمباران شده و در حال فرار را در مقابل چشمان بهت زده مردم جهان قرار میدهند.

همزمان ژورنالیستها، "کارشناسان و متخصصین خاورمیانه" در غرب شبانه روز از "بن بست و شکست دیپلماسی"، از خطر تشدید جنگ در مناطق دیگر سوریه یا خاورمیانه، از خطر قدرتگیری روسیه و موثلفین اش در منطقه، از خطر شکل گرفتن کمربند دفاعی شیعه توسط ایران و .. میگویند. طرفداران دخالت نظامی بریتانیا در سوریه و بمباران مردم سوریه به نام مبارزه با اسد و داعش و ... امروز میداندار تعرض و انتقام گرفتن از مردمی است که به میلیتاریسم غرب در منطقه نه گفتند ...

حکمتیست: حزب حکمتیست
قراری را در مورد "ضرورت تشدید مبارزه علیه ملی گرایی و تفرقه قومی - مذهبی" تصویب کرده است. مضمون قرار روشن است و بر این مبنا مصاف های جدیدی در مقابل کمونیست ها و طبقه کارگر در ایران وجود دارد. چرا چنین قراری و تاکید مجدد بر مبارزه علیه ملی گرایی و تفرقه قومی - مذهبی لازم شد؟ شما تا چه حد خطر قومی و مذهبی کردن فضای سیاسی جامعه ایران و رشد ناسیونالیسم افراطی را جدی میدانید؟ نقش جمهوری اسلامی در چنین سناریویی را چگونه ارزیابی میکنید؟
خالد حاج محمدی: ما در دوره ای هستیم که بالانس قدرت در سطح جهان به هم خورده است. دوره ای که تعادل قدرتها که باعث درجه ای از ثبات بود به هم ریخته است و با یک دوره نامتعینی روبرو هستیم. این بی ثباتی و نامتعینی بر متن بی جوابی بورژوازی نه تنها در ایران و یا خاورمیانه، بلکه در بعد جهانی و در خود غرب به معضلات سرمایه و آینده بشریت و مسائل پایه ای که در مقابل خود دارند، نوعی سردرگمی و ناروشنی و بی دورنمایی را در صفوف بورژوازی در خود کشورهای غربی ایجاد کرده است.
بعلاوه و همراه این اوضاع اولاً بدلیل افزایش فقر، محرومیت، بیکاری و حمله هر روزه بورژوازی به سطح معیشت و پس گرفتن دستاوردهای تا کنونی بشریت، نا امیدی و بی اعتمادی وسیعی در میان طبقه کارگر و مردم پایین جامعه به دولتها و احزاب حاکم بورژوایی و به سیستم های تکنونی در جریان است. این نارضایتی و بی اعتمادی به سیستم های حاکم و احزاب سنتی بورژوازی در نبود آلترناتیو قوی کارگری و کمونیستی راه را برای احزاب دسته راستی و فاشیست باز کرده است. عروج راسیسم و نژاد پرستی، رشد جریانات اولترا راست در خود غرب، اتفاقاتی مانند خروج انگلستان از اروپای واحد و عروج ترامپ در انتخابات آمریکا و رشد احزاب دست راستی در فرانسه، هلند،

کشورهای اسکاندیناوی و ... بروزات این اوضاع است. به این اعتبار در سطح جهان ما با یک دوره درون گرایی و بازگشت به ملت و وطن و کشور خود و یک نوع ناسیونالیسم در اشکال بسیار تنگ نظرانه و عقب افتاده طرف هستیم.
در این نامتعینی و بی جوابی بورژوازی جهانی و به هم خوردن تعادل تاکنونی میان قدرتهای اصلی و دعوا و جنگ برای تقسیم مجدد جهان و ایجاد توازنی در سطح بین المللی در اشکال متفاوت منجمله جنگ در خاورمیانه در فجع ترین شکل آن در جریان است. در سطح خاورمیانه ما چند سال است با جنگ های ویرانگر و جنایات و کشتار و آوارگی در ابعاد دهها میلیونی مردم محروم طرف هستیم. خاورمیانه به مرکز حل و فصل تخصامات دولتهای بزرگ جهان مانند آمریکا و روسیه و دول اروپایی از طرفی و از سوی دیگر دولتهای منطقه مانند ایران، عربستان، ترکیه، سوریه، قطر و ...

در دفاع از هویت انسانی ...

و با دخالت و کمک دهها گروه و جریان آدم کش حرفه ای از داعش و النصره تا حشدالشعبی و... تبدیل شده است.

جنگ کنونی در خاورمیانه که تا کنون باعث ویرانی چند کشور شده است، بر پایه تخصصات قومی و مذهبی می‌چرخد. تلاش وسیعی از جانب رسانه های غرب و دولتهای منطقه برای مهندسی جنگ در این منطقه بر اساس ملت و قومیت و مذهب به صورت بسیار آگاهانه دنبال شده است. امروز کل مردم خاورمیانه را به مردم منتصب به ملتها و قبایل و اقوام و عشایر و مذاهب مختلف تقسیم کرده و دشمنی کوری را میان آنها دامن زده اند و دولتهای مختلف از این دشمنی سرباز جنگی میگیرند و هر کدام خود را صاحب مردم منتصب به قوم و مذهب کرده و نماینده خودگمارده آنها شده اند. این وضع خاورمیانه را به عصر تحجر و توحش برگردانده است که جنگ شیعه، سنی، عرب، ترک، ترکمن، کرد، فارس، مسیحی، یزیدی و... به بخششی از سیمای آن تبدیل و تحمیل شده است.

این اوضاع و تحمیل این عقب گرد باعث شده چهارچوبه های ملی و کشوری گذشته بدرجه ای به هم بخورد. دخالت در امور همدیگر و زنده کردن هویت‌های کاذب و عروج دادن گروههای قومی و مذهبی برای ناامن کردن کشورهای همجوار، سیاست رسمی دولتهای منطقه است.

ایران یک پای تحولات خاورمیانه است. جمهوری اسلامی در منطقه از لبنان و یمن تا سوریه و عراق در راس یک تحرک تماما ارتجاعی به عنوان نماینده شیعیان جهان است. در خود ایران جمهوری اسلامی دست به عصا حرکت میکند و تلاش میکند آرامش جامعه را حفظ کند و کنترل اوضاع را در دست

داشته باشد. ایران نمیخواهد در داخل خود تحریکات قومی و مذهبی ایجاد کند و این را به زیان خود میداند. اما در منطقه یک پای این تحولات و یکی از بازیکنان اصلی است. با همه این اوصاف ایران در این میان جزیره امن نیست. نقش ایران در منطقه و عروج دادن عرق و افتخارات ملی بیش از همه از جانب خود جمهوری اسلامی دنبال میشود. ناسیونالیسم ایرانی و افتخار به ایران قدرتمند در منطقه، ایرانیت و ایران پرستی در این دوره رشد میکند. عروج ناسیونالیسم ایرانی همراه خود مشروعیت برای ناسیونالیسم کرد، ترک، عرب و... می آورد. سرانجام کل منطقه از باروت عظیم سموم قومی و مذهبی و میدان دادن به انواع باندهای مافیای مذهبی و قومی و امکانات وسیع مالی و تسلیحاتی برای آنان اشباع شده است. هنگامی که به دنیایی که بورژوازی برای مردم در جهان درست کرده است نگاه میکنید، زمانیکه تلاش بورژوازی برای ایجاد تفرقه در صف مردم به نام فارس و کرد و عرب، به نام سنی و شیعه، به نام اروپایی و غیر اروپایی و بخصوص زمانیکه خطر تبدیل شدن مردم محروم به سیاهی لشکر این سناریوی ارتجاعی را می بینید، آنوقت ضرورت تشدید مبارزه علیه تحریکات قومی و مذهبی و علیه رشد ناسیونالیسم چه در جامعه ایران و چه در ابعاد جهان برای ما و هر کمونیست دخیل و مسئولی بعنوان امری جدی روشن میشود.

حکمتیست: حزب حکمتیست چه سیاست، تاکتیک و روش عمل کمونیستی را که بتواند جامعه را در مقابل خطر ملی گرایی و تفرقه قومی - مذهبی بسیج کند، اتخاذ کرده است و چه اقداماتی را در دستور خود قرار داده است؟ به عبارتی دیگر، چگونه میتوان یک جنبش توده ای و رادیکال علیه ملی

زمانیکه بشر دوستی به ...

دو طرف اصلی این جنگ که یکی نماینده قلدری نظامی و میلیتاریسم و تروریسم دولتی در جهان و دیگری منشا نا امنی و تروریسم در منطقه است، با وقاحت تمام بعنوان مدافعین قربانیان خود، مردم حلب، بر هم میتازند که بویی از انسانیت نبرده اند. جنگ امروز در سوریه ادامه اعتراضات ۵ سال پیش مردم سوریه، ادامه بهار عربی در سوریه نیست. برعکس بحران امروز در سوریه، جنگ، کشتار، عروج انواع جریانات و باندهای قومی و مذهبی در سوریه نتیجه مستقیم دخالت قدرتهای ارتجاع بین المللی و منطقه ای است. توحشی که امروز در سوریه در جریان است نتیجه مستقیم دخالت دولتهای غربی در دل اعتراض بر حق مردم سوریه و عروج دادن دهها باند و دستجات جنایتکار به نام مبارزه با دیکتاتوری اسد است.

۵ سال است اعتراض و مبارزه مردم سوریه برای آزادی و رفاه و رهایی از رژیم مستبدی چون بشار اسد دستمایه حل کشمکش قدرت همین قطبهای ارتجاعی در منطقه شده است. چهار سال است زندگی مردم حلب به گروگان گرفته شده و شش ماه زیر بمباران هر دو طرف له و لورده شده تا یکی از ایندو قطب بتواند اوضاع را به نفع خود تغییر دهد و امروز این تغییر اوضاع را به نام آزاد کردن مردم حلب و یا کشتار آن به دنیا حقنه میکنند. دست بدست شدن حلب اگر چرخشی در اوضاع به نفع ائتلاف روسیه - ایران - سوریه است اما قطعا نقطه پایانی بر جنگ و کشتار در سوریه

گرایی و تفرقه قومی سازمان داد؟

خالد حاج محمدی: اولین مسئله برسمیت شناختن خود خطر است. کسی که احساس خطری نمیکند و فکر نمیکند اتفاقی دارد می افتد، اقدامی هم برای

نیست. تبلیغات قطب بازنده بوی جنگ و انتقام میدهد و این انتقام مثل همیشه به قیمت به تباهی کشاندن زندگی مردم در سوریه، یمن، عراق و فلسطین ممکن است.

نه هلهله و شادی روسیه و ایران بر سر آزادی مردم حلب از اسارات جبهه النصر است و نه فریادهای دول غربی بر سر نجات مردم حلب از کشتار بیشتر توسط دولت ارتجاعی اسد است. مردم حلب نه آزاد شده اند و نه کشتارشان از امروز شروع شده است.

به نمایش گذاشتن تصاویر "آزاد شده" یا سلاخی شده مردم حلب به گروگان گرفتن انساندوسی جهان متمدن برای تأیید سیاستهای ارتجاعی و کشتار صدها هزار نفر از مردم سوریه و دستمایه جنگها و کشمکشها و کشتارهای بعدی است.

همه این جانیان از سران دولتهای امریکا، روسیه، ایران، اسرائیل، سوریه، عربستان و ترکیه تا روسای باندهایی چون داعش، النصر، احرار الشام، فیلق الشام و جیش الفتح و ... جنایتکاران جنگی در سوریه، عراق، یمن و لیبی اند. سناریوی سیاه قومی و مذهبی کردن خاورمیانه، کشتار مردم بیگناه، خفه کردن اعتراض جامعه زیر پرده سیاه قومی و مذهبی کردن آن را باید به شکست کشاند. این بازی کثیف را باید ما بشریت آزادیخواه، ما کمونیستها و جنبش عمیق و عظیم انسانی ما خاتمه دهد. جنبشی که افق یک زندگی انسانی، سعادتمند، آزاد و برابر را در مقابل تباهی و سیاهی دنیای امروز در مقابل بشریت قرار میدهد.

مقابله با آن سازمان نمی دهد.

متأسفانه گارد در این مورد حتی در میان چپ ایران بسیار ضعیف است و بخش خود چپ آغشته با انواع ناسیونالیسم است. ...

قدرت طبقه کارگر در حزب و شکل اوست!

در دفاع از هویت انسانی...

اولین کار ما تلاش برای شریک کردن دیگران در صورت مسئله است. تلاش برای متوجه کردن طیف هر چه بیشتری از کمونیستها، آزادیخواهان، از رهبران و فعالین کارگری، زنان و جوانان متمدن در این جامعه و احزاب سیاسی به مخاطراتی است که هم اکنون در منطقه بی رحمانه زندگی میلیونها انسان را با خطر روبرو کرده و آنها را به دشمن هم تبدیل کرده است. امروز در کل منطقه ناسیونالیسم و مذهب و هویت تراشی های جعلی برای مردم به نام این و آن مذهب و قوم و ملیت، به عنوان خطرناکترین اسلحه های کشتار و توحش توسط دولتهای تا مغز استخوان مرتجع بدست گرفته شده است. این خطر در بیخ گوش ما در همسایگی ما از سوریه تا عراق و از یمن تا فلسطین دارد. کرور کرور انسانهای بیگناه را قربانی میکند. ما با همه امکانات خود تلاش کرده و میکنیم که جامعه را و پیشاپیش همه احزاب سیاسی مسئول و متمدن را و کمونیستها و آزادیخواهان در خود جامعه را متوجه خطر و اهمیت سد بستن در مقابل آن کنیم. تا جایی که به احزاب سیاسی برگردد طبیعتاً آنها انتخاب سیاسی میکنند و اما ما توقعی انسانی را در این دوره خطیر در مقابل همه آنها قرار داده ایم و خود آنها جوابگو باید باشند. ما فکر میکنیم سیاست نیم بند و نه سیخ بسوزد نه کباب و راه بینابینی در این دوره به حال جامعه مضر است. با سیاست ناروشن و غیر شفاف نمیتوان خشت روی خشت گذاشت. بنابراین، مقابله با ناسیونالیسم و وطن پرستی تحت هر نامی در راس کار و فعالیت ما است. ما هویت تراشی های کاذب ملی و مذهبی برای مردم به هر بهانه ای و از جمله به نام مبارزه با جمهوری اسلامی را ارتجاعی میدانیم.

ما در مقابل تقسیم مردم به مذاهب و اقوام گوناگون که ابزار نفاق و دشمنی در میان آنها است، مردم ایران را به دفاع از هویت انسانی مشترک و به دفاع از تمدن و رفاه آسایش همگانی در مقابل جمهوری اسلامی فرامیخوانیم. ما جز تقسیم بندیهای طبقاتی و جز هویت طبقاتی طبقه کارگر در مقابل کل بورژوازی و هویت مشترک انسانی، هر نوع هویت تراشی دیگر را نه تنها رد میکنیم که آنرا خصوصاً در این دوره ابزار توحش و بربریت میدانیم. بالا بردن خود آگاهی جامعه در مقابل تحریکات ناسیونالیستی و قومی و مذهبی و تلاش برای صف کشیدن در مقابل آن در همه اشکال ممکن کاری است که باید کرد. تلاش ما این است صف آزادیخواهی در این جامعه را با خود همراه کنیم و در این میدان در مقابل نفاق قومی و مذهبی سدی ببندیم و جامعه را از توطئه و برنامه های مهندسی شده برای ایجاد دشمنی در میان مردم محفوظ نگهداریم. باید کاری کرد که در فضای روشنفکری جامعه، در کانونهای فکری، در دانشگاهها، در میان محافل سیاسی و در میان محافل کارگری به تقابل آشکار علیه هویت تراشی های ملی و ناسیونالیستی و علیه هر نوع تقسیم بندی انسانها به شیعه و سنی، به ایرانی و افغانی، به عرب و فارس و ترک و کرد ... مقابله کرد. باید حول هویت انسانی و دفاع از جامعه ای بدور از نفاق قومی و مذهبی، جامعه ای متمدن و انسانی نیرو بسیج کرد. باید از تبلیغات قدمی فراتر رفت و به بسیج و جمع کردن نیرو در همه جا از دانشگاه تا محله و کارخانه در مقابل هر نیرویی که بخواهد مردم را با تقسیم بندیهای کاذب در مقابل هم قرار دهد و به جامعه خون پیاشد ایستاد. بی شک به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و استقرار جامعه ای

سوسیالیستی امر و وظیفه اصلی ما است. اما این مسیری صاف و هموار نیست. امروز دفاع از انسانیت، هویت انسانی و از حقوق جهانشمول انسان در مقابل تلاشهای ارتجاعی دولتهای منطقه و احزاب و گروههای قومی و مذهبی و تحریکات یکی از مهمترین وظایفی است که هر نیروی سیاسی چپ و کمونیستی باید در مقابل خود قرار دهد. باید جامعه فشار جنبش ضد توحش مذهبی و قومی و ناسیونالیستی را احساس کند و امکانی برای دفاع از خود در مقابل آن فراهم کند. نباید اجازه داد هویت انسانی و طبقاتی را به هویتهای کاذب و دست ساز قومی و مذهبی تبدیل کرد. اینکار امروز کمونیستی ترین و سوسیالیستی ترین کار هر کمونیستی است. ما از همه کمونیستها، از همه زنان و مردان آزادیخواه و از همه کارگران آگاه و سوسیالیست توقع داریم در این کارزار و در این دوره حساس برای این تقابل امدادی ایجاد کنند و گارد جامعه، گارد در محل کار و مدرسه و دانشگاه و محله را در مقابل جمهوری اسلامی و ناسیونالیستها و قوم پرستان و گروههای مذهبی بالا ببرند. دفاع از مدنیت و زندگی انسانی برای کل شهروندان جامعه به عنوان انسان و مستقل از هر گونه نژاد و هویتهای کاذب ملی و مذهبی بر دوش ما است. فراخوان ما به همه این صف تلاشی آزادیخواهانه در دفاع از تمدن بشری در مقابل جمهوری اسلامی و دولتهای مرتجع منطقه و تحریکات ملی و ناسیونالیستی، قومی و مذهبی آنها و سد بستن در برابر هر جریان و گروه مرتجعی است به هر شکلی که خود مناسب میدانند. جامعه باید صدای انسانیت و صدای برابری طلبی را اینبار علیه این تحریکات و در دفاع از حقوق جهانشمول انسان بشنود و کمونیستها باید پیشقراولان این تحرک باشند.

کمونیسم و

سوسیالیسم،

ایدئولوژی

آسمانه و وحه

هیچ خداوندی

نیست.

کمونیسم،

جنبش اجتماع

طبقه کارگر برای

برابری ورهایه

انسان

از همه قید و

بندهای نظام

سرمایه داری

است!

حکمت را توزیع و پخش کنید!

مرکب بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

نامه حزب حکمتیست (خط رسمی) به احزاب و شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی!

نامه زیر در اکتبر ۲۰۱۶ از جانب کمیته رهبری حزب حکمتیست به احزاب و شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی ارسال شده است. این نامه در ادامه تلاش ما برای بستن سدی در مقابل تلاش‌های ارتجاعی جهت رنگ قومی و مذهبی زدن به مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و همزمان مقابله با تلاش جمهوری اسلامی در میلیتاریزه کردن فضا و پس زدن اعتراضات بر حق مردم به بهانه مبارزه با دولتهای منطقه و گروه‌های قومی و مذهبی است. ما این نامه را جهت اطلاع عموم منتشر و توجه همگان را به آن جلب می‌کنیم.

دبیر خانه حزب حکمتیست (خط رسمی)
۱۹ دسامبر ۲۰۱۶

به: ...

با درودهای گرم

اوضاع بحرانی منطقه، تبدیل خاورمیانه به میدان جدال و کشمکش دولتها و نیروهای ارتجاعی قومی و مذهبی بر سر موقعیت خود، از جمهوری اسلامی و سوریه و عربستان و ترکیه تا جریانات ارتجاعی و قومی مانند داعش و القاعده و النصر و حوثی و ... بیش از هر زمانی زندگی، مبارزه و سرنوشت مردم در خاورمیانه را با مخاطرات جدی روبرو کرده است.

این جدال امروز نه در شکل جنگ رسمی دولتها که در شکل جنگ شیعه و سنی، سلفی و غیر سلفی، تحریکات قومی و مذهبی علیه بلوک رقیب، سازمان دادن دستجات مسلح، هویت تراشی کاذب و دامن زدن به تفرقه قومی و مذهبی میان مردم و موشدوانی علیه بلوک رقیب روزمره در جریان است.

ایران برخلاف تبلیغات رژیم، جزیره امن

تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی نیست. در عین حال مردم در ایران از سموم قومی و مذهبی کردن زندگی و مبارزه شان، از خطر هویت تراشی، تفرقه، از دامن زدن به جنگ میان شیعه و سنی، میان سلفی و غیر سلفی، میان کرد و فارس یا ترک و کرد، عرب و ... مصون نیستند.

با تحركات اخیر حزب دمکرات کردستان ایران و مجاهدین در راستای سیاست یکی از قطبهای ارتجاعی منطقه، خطر قومی و مذهبی شدن مبارزه نه فقط در کردستان که در سایر نقاط ایران جدی تر از قبل است. جدالی که یکسر آن "کردها" و "سنی‌ها" و سر دیگر آن جمهوری اسلامی و باندها و دارودسته های آن به نمایندگی از "شیعیان"، "غیرکردها" خواهند بود. جدالی که آینده تباهی را در مقابل جامعه قرار میدهد.

ما، حزب حکمتیست (خط رسمی)، تا بحال به نوبه خود تلاش کرده ایم مخاطرات چنین تحركاتی را نشان دهیم و ضمن هشدار دادن به جامعه، سدی در مقابل چنین مخاطراتی ببندیم.

اینکار قطعاً بدون دخالت فعال همه سازمانها و احزاب سیاسی، بدون تلاشی مشترک در بستن سدی در مقابل قومی و مذهبی کردن زندگی و مبارزه مردم در ایران و همزمان در مقابل میلیتاریزه کردن فضای زندگی مردم و تشدید سرکوب و خفقان، امروز در کردستان و فردا در سرتاسر ایران، ممکن نخواهد شد. هدف از این نامه عطف توجه جدی

همه سازمانها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی بر این تلاش مشترک است. هدف تلاشی مشترک برای ترمز زدن بر این پروسه و ظاهر شدن هرچه قوی تر اپوزیسیون در مقابل این مخاطرات و اتخاذ سیاستی روشن و مسئولانه در قبال این اوضاع و در دفاع از مبارزات مستقل و آزادیخواهانه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و برعلیه هر دولت ارتجاعی که به بهانه نفرت آنها از جمهوری اسلامی در تلاش دامن زدن به تفرقه قومی و مذهبی است.

ما از هر تلاش و ابتکاری برای متحقق کردن این هدف استقبال می‌کنیم و این نامه تلاشی در این راه است.

ما معتقدیم اتخاذ سیاستی روشن در موارد زیر میتواند اولین قدم در بستن سد در مقابل خطر قومی و مذهبی کردن زندگی و مبارزه مردم و تبدیل جنگ علیه جمهوری اسلامی به جنگ قومی - مذهبی میان مردم باشد.

۱- محکوم کردن هر نوع همکاری با دول ارتجاعی منطقه از عربستان، قطر، ترکیه تا متحدین آنها به بهانه مبارزه با جمهوری اسلامی یا تحت لوای دفاع از منافع مردم محروم و حق طلب. هر نوع رابطه دیپلماسی سری و بدور از چشم مردم با دولتهای مرتجع منطقه محکوم است. رابطه با هر دولتی و مذاکره و مناسبات در هر سطحی باید علنی و شفاف با اطلاع مردم ایران و کل نیروهای سیاسی باشد.

۲- تحركات نظامی این دولتها و متحدین آنها در محل کار و زندگی

مردم و تحریکات مذهبی و قومی، اشاعه نفاق و دشمنی در میان مردم به نام مذهب و ملیت و ... از جانب هر جریان و گروه و دولتی، علیه همسرنوشتی و مبارزه مشترک مردم آزادیخواه ایران علیه جمهوری اسلامی است و مقابله با آن وظیفه هر نیروی مسئول و متدنی است.

۳- تلاش برای بستن سدی در مقابل تعرض جمهوری اسلامی به فضای سیاسی جامعه ایران، دستگیری و پرونده سازی علیه فعالین سیاسی، میلیتاریزه کردن جامعه و خصوصاً کردستان و مناطق مرزی به بهانه حفظ امنیت مرزها.

۴- محکوم کردن حملات نظامی جمهوری اسلامی به نیروهای اپوزیسیون در خاک عراق، ترور و تهدید و آدم ربایی علیه آنها و لشکر کشی و توپ و خمپاره باران کردن مردم مناطق مرزی کردستان ایران یا عراق.

ما همه احزاب و شخصیت‌های سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی را مستقل از میزان دوری و نزدیکی آنها به ما، به اتخاذ سیاستی فعال و بویژه تعهد به بندهای مندرج در این نامه در هر قالبی که خود مناسب میدانند، فرامیخوانیم. ما بستن سدی در مقابل قومی و مذهبی کردن زندگی و مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی و همزمان مقابله با گسترش سرکوب و خفقان در جامعه و اتخاذ سیاستی روشن و تلاشی جدی در راستای مفاد این نامه را وظیفه هر نیرو و انسان متدین و مسئولی در قبال مردم ایران میدانیم.

با آرزوی موفقیت

کمیته رهبری حزب کمونیست کارگری -

حکمتیست (خط رسمی)

۲۰ اکتبر ۲۰۱۶

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!